



The Principles of Proceedings in Arbitration and The Guarantee of its Implementation in Iranian Jurisprudence and Law and English Law

Baran Hatami¹, Mostafa Elsan^{2*}, Mohammad Ali Hakimyan³

1. PhD Student in Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor of Private Law Department, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Ali Hakimyan, Assistant Professor of Law Department, University and Field Research Institute, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 699-716

Article history:

Received: 13 Jul 2023

Edition: 1 Sep 2023

Accepted: 22 Oct 2023

Published online: 1 Nov 2023

Keywords:

principles of proceedings, arbitration, execution guarantee, fair proceedings, independence of the judge, non-prolongation of proceedings.

Corresponding Author:

Mostafa Elsan

Address:

Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Private Law Department.

Orchid Code:

0000-0003-0956-3232

Tel:

02129901

Email:

mostafaelsan@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: The importance of paying attention to the principles of proceedings and the need to comply with them requires that the arbitration rules and regulations, while explaining these principles, also provide for the guarantee of their non-compliance. The purpose of this article is to investigate the guarantee of non-compliance with the principles of procedure in arbitration in Iranian jurisprudence and law and English law.

Materials and Methods: The method of the present article is analytical description. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Finding: In the arbitration system of Iran, especially the international commercial arbitration law, attention has been paid to the principles of proceedings. However, due to generalization, there are gaps and ambiguities regarding the status and guarantee of non-compliance with arbitration principles. And the arbitration system of this country, considering the most minor issues, has faced non-observance of procedural principles with the guarantee of effective and efficient implementation.

Conclusion: Iran's commercial arbitration law is the first experience of a modern law in line with internationally accepted standards. With the approval of the law, the freedom and discretion of the parties and arbitrators have increased considerably and judicial intervention has decreased.

Cite this article as:

Hatami B, Elsan M, Hakimyan MA. The Principles of Proceedings in Arbitration and The Guarantee of its Implementation in Iranian Jurisprudence and Law and English Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



اصول دادرسی در داوری تجاری و ضمانت اجرای آن در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس

باران حاتمی^۱، مصطفی‌السان^{۲*}، محمدعلی حکیمیان^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت توجه به اصول دادرسی و لزوم رعایت آن‌ها ایجاب می‌کند تا قوانین و مقررات داوری در عین تبیین این اصول، ضمانت اجرای عدم رعایت آن‌ها را نیز پیش‌بینی کند. هدف مقاله حاضر بررسی ضمانت اجرای عدم رعایت اصول دادرسی در داوری در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس است.

مواد و روش‌ها: روش مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. **یافته‌ها:** در نظام داوری ایران به‌ویژه قانون داوری تجاری بین‌المللی به اصول دادرسی توجه شده است. با وجود این، به‌دلیل کلی‌گویی، خلأها و ابهام‌هایی در خصوص جایگاه و ضمانت اجرای عدم رعایت اصول داوری وجود دارد. هرچند رویه قضایی محاکم ایران تلاش داشت تا این خلأ را مرتفع کند، دستاوردهای آن محدود بوده است. در مقابل، نظام داوری انگلستان در تبیین جایگاه این اصول و در ضمانت اجرا چه نسبت به فرایند داوری و چه رأی داوری و شخص داور رویکرد دقیقی را اتخاذ کرده است و نظام داوری این کشور با توجه به جزئی‌ترین مسائل، عدم رعایت اصول دادرسی را با ضمانت اجرای مؤثر و کارآمدی مواجه ساخته است.

نتیجه: قانون داوری تجاری ایران اولین تجربه از یک قانون مدرن و هماهنگ با معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی است. با تصویب قانون، آزادی و اختیار طرفین و داوران به‌نسبت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است و در مقابل، مداخله قضایی کاهش یافته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۹۹-۷۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

واژگان کلیدی:

اصول دادرسی، داوری، ضمانت اجرا، دادرسی عادلانه، استقلال قاضی، عدم اطاله دادرسی.

نویسنده مسئول:

مصطفی‌السان

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0003-0956-3232

تلفن:

۰۲۱۲۹۹۰۱

پست الکترونیک:

mostafaalsan@yahoo.com

۱. مقدمه

حمیدرضا علیخانی و سعید عباسی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای، دستاوردهای جدید قانون دآوری ۱۹۹۶ انگلستان در مقایسه با قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده این است که مقاله حاضر درصدد بررسی اصول دادرسی در دآوری تجاری و ضمانت اجرای آن در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس است. این مقاله قصد دارد تا در همین راستا رویکرد فقه اسلامی، نظام حقوقی ایران و انگلستان را در این‌باره مورد بررسی قرار دهد و مشخص سازد دیدگاه آن‌ها درباره ضمانت اجرای عدم رعایت اصول دادرسی در دآوری چگونه است.

۲. مواد و روش‌ها

روش مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در نظام دآوری ایران به‌ویژه قانون دآوری تجاری بین‌المللی به اصول دادرسی توجه شده است. با وجود این، به‌دلیل کلی‌گویی، خلأها و ابهام‌هایی خصوص

حل‌وفصل اختلافات مستلزم سطحی از سازمان‌دهی در قالب قواعد رسیدگی است. درعین‌حال این رسیدگی تحت پوشش اصولی نیز است که جهت‌دهی کلی آن را مشخص می‌سازد. رسیدگی در محاکم دادگستری توسط نهادهای حاکمیتی انجام می‌پذیرد و به همین دلیل رعایت اصول دادرسی از ضمانت‌های خاصی برخوردار است و عدم رعایت آن نیز می‌تواند آثاری را هم در مورد رأی دادگاه و هم قاضی به‌همراه داشته باشد. با توجه به اینکه دآوری، قضاوت شمرده می‌شود، در دآوری نیز با وجود غیر تشریفاتی بودن رسیدگی، داور یا هیئت دآوری ملزم به رعایت اصول دادرسی هستند (خدری، ۱۳۹۳، ۵۲۷). دآوری در اکثر موارد توسط نهاد خصوصی انجام می‌شود و به همین دلیل نیز امکان اعمال صلاح‌دید و رفتار خودسرانه در آن بیشتر قابل تصور است. به همین دلیل رعایت اصول دادرسی می‌تواند با چالش‌های بیشتری مواجه شود. همین امر نیز سبب می‌شود تا در جهت حفظ نظم عمومی حاکم بر حل‌وفصل اختلافات، پیش‌بینی ضمانت اجراهای عدم رعایت اصول دادرسی از اهمیت بیشتری هم برای حفظ حقوق طرفین اختلاف و هم برای حفاظت از اصل حاکمیت قانون برخوردار شود. تحقق این مهم نیازمند توجه به این موضوع است که قانون‌گذار باید بخشی از مقررات مربوط به دآوری را به تبیین اصول دادرسی اختصاص دهد و دیگر اینکه آثار عدم رعایت این اصول را مشخص سازد. در خصوص دآوری در حقوق ایران و انگلستان پژوهش‌های زیادی انجام شده است. میترا ضرابی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای وجوه اشتراک بین قانون دآوری ۱۹۹۶ انگلستان و قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران را بررسی کرده است.

هرچه بیشتر عادلانه ساختن روند حل و فصل دعاوی را متجلی می‌کند (محسنی، ۱۳۹۱، ۵۲). به عقیده برخی نیز اصول دادرسی با فراهم آوردن مقررات بسیار کلی و عمومی، معیارهای دادرسی عادلانه را در نظر می‌گیرد و نمودار مفاهیم کلی عدالت و انصاف در حل و فصل دعاوی مدنی و بازرگانی است که در نظام‌های حقوقی مدرن با عنوان اصول بنیادین شناخته می‌شود و می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال مختلف، در قواعد و مقررات کشورها دچار تغییراتی شود (غمامی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۵-۱۶). اعتباری و ذهنی بودن، ارزشی و ذاتی بودن و آمره و غیر قابل عدول بودن اوصافی است که برای اصول دادرسی معرفی شده است (مافی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۷۲). در عین حال تفاوت‌هایی نیز میان اصول دادرسی در محاکم و رسیدگی از طریق داوری وجود دارد. خصوصیت اصلی داوری یعنی ماهیت خصوصی، اختیاری و محرمانگی آن باعث ایجاد اصول متفاوتی در رسیدگی‌های داوری نسبت به رسیدگی محاکم می‌شود (دیانا، ۲۰۱۴، ۱۳۰). به عقیده برخی اولین و مهم‌ترین اصل در داوری که اکثریت کشورها نیز آن را پذیرفته‌اند اصل آزادی قراردادی است که به معنای اصل استقلال محتوای طرفین یا اراده طرفین شناخته می‌شود (توماس، ۲۰۱۲). این تعریف در عین اینکه بر مصادیق اصول داوری تکیه دارد به یکی از عناصر تعریف آن نیز اشاره دارد و آن «پذیرش توسط اکثریت کشورها» است. از مجموع این تعاریف می‌توان گفت اصول دادرسی به دو دسته تقسیم می‌شوند. اصولی که متمرکز بر رعایت و تضمین عدالت در دادرسی هستند و اصولی که خط‌مشی‌های کلی را ارائه می‌دهند که تشریفات دادرسی باید از آن‌ها پیروی کند. دسته اخیر اصولی هستند که قواعد

جایگاه و ضمانت اجرای عدم رعایت اصول داوری وجود دارد. هرچند رویه قضایی محاکم ایران تلاش داشت تا این خلأ را مرتفع کند، دستاوردهای آن محدود بوده است. در مقابل، نظام داوری انگلستان در تبیین جایگاه این اصول و در ضمانت اجرا چه نسبت به فرایند داوری و چه رأی داوری و شخص داور رویکردی دقیقی را اتخاذ کرده است و نظام داوری این کشور با توجه به جزئی‌ترین مسائل، عدم رعایت اصول دادرسی را با ضمانت اجرای مؤثر و کارآمدی مواجه ساخته است.

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم پژوهش و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. مفهوم اصول دادرسی در داوری

«قاعده آمره»، «اصول» و «تشریفات دادرسی» سه کلید واژه مهم و از اقتضات رسیدگی منضبط و نظام‌مند به دعاوی ... هستند (مافی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۶۷). تعاریف مختلفی از اصول ارائه شده است؛ از جمله به صورت قاعده مستفاد از قانون یا عقل یا عرف عادت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۴۲۱) و همین‌طور بنیادها و هنجاری حقوقی که ریشه همه قواعد حقوق قرار گرفته است و محصول دو عنصر تعاون اجتماعی و احساس تعریف شده است (صادقی، ۱۳۸۴، ۲۶). برخی نیز در تعریف اصول دادرسی مدنی آن را اصولی بنیادین مبتنی بر نمودار رویکرد و خط‌مشی کلی حاکم بر فرایند دادرسی و ضوابط معرفی می‌کنند که

۵-۲-۱. جایگاه اصول دادرسی در فقه اسلامی

اصول دادرسی در اسلام مبتنی بر چند اصل مهم است: الف) دادرسی عادلانه؛ نخستین اصل دادرسی عادلانه است. «قضا در اصطلاح به دو گونه تعریف شده است: تعریف اول که با عبارت‌های مشابه از سوی برخی از فقها همچون شهید اول و صاحب ریاض ارائه گردیده است، قضاوت ولایتی شرعی که مقتضی نفوذ حکم بر طرفین دعوی و تسلط بر مصالح عام می‌باشد و تعریف دوم که نظر بسیاری از معاصرین بر آن قرار گرفته است: عبارت است از حکم کردن میان مردم در هنگام نزاع و فصل خصومت میان آن‌ها؛ پس دادرسی خود به معنای رسیدگی به عدل است» (زمان‌زاده بهبهانی و دیگران، ۴۷۰، ۱۳۹۷-۴۷۴). در آیهٔ ۳۶ سورهٔ ص آمده است: «ای داوود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم پس میان مردم به حق حکم کن» (آیهٔ ۳۶ سورهٔ ص). آیهٔ فوق بر دادرسی عادلانه دلالت دارد. برای آنکه اهداف قضا از نگاه اسلام، که اقامهٔ قسط و عدل و احقاق حق است محقق شود، لازم است دادرسی از اصولی پیروی کند و در مراحل مختلف آن حقوق اصحاب دعوا به-ویژه متهم و محکوم رعایت شود. هم‌چنین به‌موجب آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء: «باید هر امری از امور حکومت بر موازین عدالت، یعنی بر مبنای قانون اسلام و حکم شرعی باشد. قاضی حکم به باطل نکند». امام علی (ع) فرمود: «قاضی نباید فقط به یکی از طرفین توجه داشته باشد و به طرف دیگر بی‌توجه باشد. قاضی باید نگاهش را عادلانه بین طرفین تقسیم کند و اجازه ندهد یکی از طرفین به دیگری اظهار سلطه و دست‌درازی کند. به گفتهٔ امیرالمؤمنین، قاضی باید اشاره‌اش و نگاهش و نشستنش نسبت به طرفین برابر

مربوط به تشریفات دادرسی بر پایهٔ آن‌ها بنا نهاده شده‌اند و بیش از توجه به دادرسی عادلانه، به امور آئینی و شکلی دادرسی توجه دارند. داوری نیز به‌عنوان یک شیوهٔ حل‌وفصل اختلاف علاوه بر قواعد، از اصولی پیروی می‌کند که ذیل این دو دسته قرار دارند.

در کنار اصولی هم‌چون بی‌طرفی، استقلال، برابری طرفین و اصل تناظر که از مصادیق اصول عدالت محور دادرسی هستند، داوری‌ها از اصول دیگری نیز پیروی می‌کنند. اصل آزادی قراردادها در کامن‌لا را که در نظام حقوقی نوشته تحت عنوان حاکمیت ارادهٔ طرفین شناخته می‌شود در پروندهٔ شرکت فناوری اطلاعات ولت علیه هیئت امنای دانشگاه استنفورد به‌عنوان یکی از اصول بنیادین شناخته است (سوپرایماکورت، ۱۹۸۹، ۸۷)، می‌توان از مصادیق این دست از اصول داوری معرفی کرد. رقابتی بودن، محرمانگی و کارآمدی از دیگر اصول مهم داوری بیان شده‌اند (رینتا، ۲۰۰۳، ۲). بنابراین در بررسی ضمانت اجرای اصول دادرسی در داوری‌ها باید به هر دو دسته این اصول توجه شود. پیش از بررسی ضمانت‌های اجرای این اصول در قوانین و مقررات ایران و انگلستان، لازم است تا اهمیت و جایگاه اصول دادرسی مشخص شود.

۵-۲. جایگاه اصول دادرسی در داوری در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس

در این قسمت جایگاه اصول دادرسی در داوری در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس بررسی می‌شود.

طرفین دعوا و رعایت مساوات در تمام مراحل محاکمه در عبارت دادرسی عادلانه همین معنی را دارد.

ب) اصل استقلال قاضی: یکی دیگر از اصول دادرسی عادلانه در اسلام استقلال قضایی است که منظور از آن عبرت است از اینکه: «قاضیان در انجام کار خود تابع هیچ‌یک از مراجع مسئول دیگری نباشند و عمل آن‌ها خالصانه و صرفاً برای تثبیت حق و عدالت باشد و بدون در نظر گرفتن ملاحظه‌ای دیگر، از شرع و وجدان پیروی کنند» (شلال حبیب، ۱۹۸۱، ۸۱). اصل استقلال، مستلزم ارجاع دادن بدون دخالت هیچ مقامی در کارهای قضایی است تا بدین‌وسیله آن را به‌سمت خاصی هدایت نکند و سد راه آن نشود و یا به احکام آن اعتراض نکند. هم‌چنین ضرورت دارد که قاضیان با سپری از ضمانت‌ها احاطه شوند که از آن‌ها در برابر هر گونه تعدی یا تعرض که موجب خدشه‌دار شدن اصل فوق می‌شود و آثار آن را از بین می‌برد، محافظت کند. امروز روشن شده است که بدون داشتن قضاوت مستقل، اعلام حقوق و آزادی‌های بشر بی‌فایده است و صحبت در مورد اصل تساوی در برابر قانون یا حتی در مورد تضمین حق دفاع هیچ نتیجه‌ای ندارد. بنابراین اگر حاکمیت قضایی، اعتبار، جایگاه و استقلال خود را تضمین نکند، چه سودی برای قوانین دارد که مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره را به رسمیت بشناسد؛ درحالی‌که خود، نهاد مسئول حمایت از همه این حقوق است. امر قضاوت در نظام اسلامی ما جایگاهی را تصرف کرده است که نظام‌های ساختگی معاصر نتوانست آن را به‌دست آورد. امام‌علاء‌الدین طرابلسی، قضاوت را چنین توصیف می‌کند: «قضاوت

باشد» (الطبری، ۱۹۹۵، ۱۶). «اگر طرفین دعوی نزد قاضی حضور یابند، باید در نگاه کردن و سخن گفتن با آن‌ها بین آن‌ها به‌طور مساوی برخورد کند؛ مگر اینکه یکی از آن‌ها تعدی و تخطی کند که در این صورت قاضی می‌تواند به وی نگاه کند و صدایش را علیه او به‌دلیل آنچه از سرسختی و لجاجت و امثال آن او سرزده بالا ببرد و قاضی باید در آغاز محاکمه با متانت و وقار با آن‌ها برخورد کند و استرس و اضطراب هر یک از آن‌ها را به آرامش بدل کند و ترس و محدودیت گفتار کسی که سراسیمه شده را امنیت بخشد تا زمانی که از او دور شود. و هر یک از آن‌ها را چه ضعیف باشند و چه قوی، در برابر خود جای دهد و هیچ‌کدام از طرفین را به خود نزدیک نکند و یکی از آن‌ها را بدون توجه به‌طرف دیگر به نزد خود فرانخواند و نپذیرد و سلام کردن و استقبال را فقط بر یک‌طرف از آن‌ها اختصاص ندهد و درباره‌ی اوضاع و احوال هر کدام از آن‌ها و یا اموراتشان در مجلس خودشان احوال‌پرسی و پرس‌وجو نکند و با همه آن‌ها یا یکی از آن‌ها مخفیانه و با پرده سخن نگوید» (ابن‌فرحون، ۳۲، ۱۹۸۶). و این‌گونه پیشینیان این امت به امر قضاوت و قضاات نگاه می‌کردند و قاضیان و حاکمان شرع آن‌ها نیز از ترس مجازات خداوند متعال، اصل برابری را به بهترین شکل مجسم کردند. بدون تردید، حضور علما در مجلس قضایی به‌منظور مشاوره با آن‌ها، قاضی را ترغیب می‌کند تا عدالت بین طرفین دعوی را جست‌وجو و بررسی و حقیقت را اثبات کند. و اگر از این روش عدول کرد، علما به او هشدار می‌دهند و او را به این امر آگاه می‌کنند (عبدالرحمن‌الشیخ، ۱۹۸۹، ۱۷۶). بی‌طرفی و استقلال قضاوت و دستگاه قضایی و دوری از نفع شخصی و پیش‌داوری، داشتن رفتاری برابر بین

جدی است. سپس قاضی دو یا سه روز و با ملاحظه شرایط پرونده و جدیت طرف دعوی در درخواست تأخیر، به او مهلت می‌دهد (یعمری، ۱۹۸۶، ۱۶۳). منظور از اطاله، طولانی شدن نامعقول و غیر متعارف جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی است و آئین دادرسی به معنای اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد دربارهٔ تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها است که در فقه تحت عنوان علم-القضا مطرح شده است. توجه و دقت پیرامون آیات مربوط به قضا در قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند به بحث قضا و محاکمه عادلانه توجه ویژه‌ای داشته است.

۵-۲-۲. جایگاه اصول دادرسی در قوانین داوری ایران

نظام حقوقی حاکم بر داوری در ایران در چارچوب دو قانون آئین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی بیان شده است. به همین منظور نیز رویکرد نظام حقوقی ایران در چارچوب این قوانین مشخص می‌شود. برخلاف برخی از قواعد داوری فوق‌الذکر که معمولاً ماده‌ای به آئین رسیدگی اختصاص دارد، در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران چنین مقرره‌ای مشاهده نمی‌شود. ماده ۱۸ این قانون تنها به رفتار مساوی با طرفین اختصاص یافته است و بیان می‌دارد: «رفتار با طرفین باید به‌نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود». همان‌طور

به‌لحاظ علم، شایسته، و عزیزترین و شریف‌ترین عنوان است» (العطیفی، ۱۹۷۰، ۸۰). نباهی می‌گوید: «... نقشهٔ پیغمبران و کسانی است که بعد از آن‌ها آمدند، و در این دنیا بعد از خلافت، افتخاری بالاتر از قضاوت وجود ندارد» (النباهی، ۲۰۱۷، ۳) و حضرت علی (ع) به زمامدار منصوب خود، مالک اشتر نخعی، نامه‌ای فرستاد و به او فرمان داد که به امر قضاوت و ادای این وظیفهٔ مهم و برطرف کردن مشکلات مردم توجه کند و فرمود: «... و در بذل حقوق به او سفرهٔ سخاوت را بگستران؛ آن‌چنان که نیازش را از بین ببرد و حاجتی به مردم پیدا نکند و از نظر منزلت آن‌قدر مقامش را نزد خود بالا ببر که احدی از یاران نزدیک تو نسبت به نفوذ در او طمع نکند...» (الفضیلات، ۱۹۸۷، ۲۵۶).

ج) اصل سرعت و عدم اطالهٔ دادرسی: یکی دیگر از اصول دادرسی اصل سرعت و مقرون به‌صرفه بودن است. عین این اصل در اسلام نیز آمده است. آنجا که بیان می‌کند قوانین محاکمه عادلانه ضرورت تسریع و شتاب در دادرسی، ایجاب می‌کند. دلیل این امر آن است که اگر در محاکمهٔ شخص تأخیری حاصل شود و بی‌گناهی او بعداً تأیید شود، نوعی بی‌عدالتی در حق او از ناحیهٔ مرجع ذی‌ربط محسوب می‌شود که انتظار عدالت از آن می‌رود (المقدسی، ۱۹۹۴، ۳۵). در این راستا ابراهیم‌بن علی یعمری قاضی و فقیه مالکی حجازی مغربی اصل در سدهٔ هشتم هجری معتقد است که قاضی، درخواست طرفین دعوی برای به تعویق انداختن رسیدگی به پرونده را اجابت نمی‌کند؛ مگر اینکه واقعاً متوجه شود که طرف دعوی در درخواست خود برای احضار شاهدان یا آوردن مدارک و یا تهیهٔ دفاعیات و توجه به حساب کار خود

دعاوی لازم ندانسته است (علی‌محمدی، ۱۳۹۵، ۴)؛ اما این امر به معنای عدم لزوم رعایت اصول دادرسی نیست. از دیدگاهی دیگر اگرچه داوری را قضاوتی قراردادی می‌دانند که رعایت تشریفات دادرسی در آن لازم نیست؛ اما باید به مانند همه انواع دادرسی‌ها اصول دادرسی در آن رعایت شود (خوشبخت احمدی، ۱۳۹۷، ۳) این مسئله در مورد رأی داوری تا حدودی تعدیل شده است. یکی از اصول مهم در مرحله صدور رأی اصل مستدل و موجه بودن رأی داوری است. داوری مطلوب اساساً در رأی داوری متبلور می‌شود و از لوازم رأی کارآمد «موجه و مدلل بودن» آن است (ماندگار و دیگران، ۱۳۹۹، ۳۷۸). قانون‌گذار برای رأی داوری داخلی در قانون آئین دادرسی مدنی شکل و قالب خاصی را تعریف نکرده است؛ ولی در ماده ۴۸۲ این قانون بر لزوم موجه و مدلل بودن آن تأکید کرده است (امینی و دیگران، ۱۳۹۷، ۹).

این تشبث نسبت به اصول آئینی نیز به چشم می‌خورد. از میان اصول این دسته، بازتاب‌های اصل حاکمیت اراده طرفین بیش از اصول دیگر در قواعد داوری به چشم می‌خورد. در مقابل اصل صلاحیت تکمیلی داور هرچند در قانون داوری تجاری بین‌المللی در حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، در مقررات داوری قانون آئین دادرسی مدنی به چشم نمی‌خورد و قانون به اصل سنتی جایگزینی قوانین تخییری در سکوت طرفین پایبند بوده است. برای مثال، ممکن است رأی داور ابهاماتی داشته باشد و به همین دلیل قابل اجرا نباشد و نیازمند تفسیر برای رفع این ابهامات باشد. قانون آئین دادرسی مدنی نیز در خصوص مرجع صالح برای تفسیر رأی داور سکوت کرده است. با وجود این، با

که ملاحظه می‌شود این ماده در قبال مواد مشابه در اسناد سابق‌الذکر نواقصی نیز دارد و به رسیدگی عادلانه نیز توجهی نداشته است. اصل دیگری که می‌توان از مواد مختلف این قانون استخراج کرد اصل اختیار داور در موارد عدم تصریح طرفین است که مصادیق آن در رابطه با تعیین قواعد رسیدگی، تعیین محل داوری و زبان داوری مشاهده کرد.

قواعد عام داوری مندرج در قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ نیز رویکرد روشنی را اتخاذ نکرده است. عبارت‌پردازی ماده ۴۷۷ این قانون مبنی بر اینکه: «داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آئین دادرسی نیستند؛ ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند». در این خصوص درخور تأمل است. این ماده از یک‌سو تنها الزام داوران به مقررات داوری را بیان داشته است و اشاره به اصول داوری ندارد. از سوی دیگر مشخص نیست که عدم الزام به تبعیت از مقررات قانون آئین دادرسی چیست. آیا این قسمت از ماده تنها به مقررات اشاره دارد و اصول را شامل نمی‌شود یا منظور سایر قسمت‌های آئین دادرسی مدنی است که مربوط به رسیدگی در محاکم می‌شود و بنابراین هم مقررات و هم اصول را شامل می‌شود؟ متن ماده در این باره مبهم است و همین امر نیز باعث موضع‌گیری‌های متفاوتی شده است. هرچند دادرسی‌ها بر پایه تشریفات بنیان نهاده شده‌اند؛ ولی اصول دادرسی جدا از تشریفات دادرسی هستند. اصول دادرسی واجد ویژگی‌های کلی، دائمی، انتزاعی و ارزشی بودن هستند؛ لذا تشریفات دادرسی از حیث خاستگاه، ماهیت، مبنا و آثار متمایز از اصول دادرسی هستند. قانون‌گذار به دلیل تسریع در رسیدگی، رعایت مقررات تشریفات را در رسیدگی به برخی

ممکن است در عدم استقلال وی مؤثر باشد به اطلاع اشخاص درگیر در پرونده برساند. این اطلاعات ممکن است مبنی بر وجود رابطهٔ مالی با یکی از طرفین و غیره باشد. مادهٔ ۳۳ قانون مذکور وظایف کلی محاکم را بیان می‌دارد. بند اول این ماده اقدام عادلانه و بی‌طرفانه میان طرفین و ارائهٔ فرصت معقول را همانند قواعد داوری سابق‌الذکر پیش‌بینی کرده است. بند فرعی دوم این ماده چنین بیان می‌دارد: «دادگاه باید آئینی را مناسب با شرایط هر قضیه اتخاذ کرده از تأخیر یا هزینهٔ غیر ضروری به‌گونه‌ای اجتناب نماید که ابزارهای عادلانه‌ای برای حل و فصل موضوعاتی که باید تعیین کند فراهم سازد». همین‌طور ابعاد مختلف اصل صلاحیت تکمیلی دادگاه را می‌توان در مواد مختلف این قانون شامل ماده‌های ۳۴ و ۴۶ در مورد موضوعات مربوط به ادله و آئین رسیدگی و قانون حاکم بر داوری مشاهده کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت این قانون از روش تمثیلی استفاده می‌کند. رویکرد اتخاذشده در قانون ۱۹۹۶ انگلستان دارای چند ویژگی است. نخست اینکه از منظر این ماده اصول داوری دارای نقش تفسیری هستند. دیگر اینکه این اصول هم بر موضوعات آئینی و شکلی و هم بر موضوعات ماهوی حاکمیت دارند. در اینجا نیز همانند قانون داوری ایران این سؤال مطرح می‌شود که در رابطه با اصولی که در این قانون تصریح نشده است و متن قانون نیز در قبال آن‌ها ساکت است چه رویکردی باید اتخاذ کرد؟ قانون داوری این کشور در این خصوص راه‌حلی ارائه نمی‌دهد (آرتور، ۱۳۶۸، ۲۱۷).

توجه به منطق تفسیر و اصل استقلال داور، مقتضی است که تفسیر با مرجع صادرکنندهٔ رأی، یعنی داور باشد.

۵-۲-۳. جایگاه اصول دادرسی در قوانین داوری انگلستان

رویکردها به اصول اساسی داوری در قوانین و مقررات کشورها می‌تواند متفاوت باشد. بخش نخست قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان، در اولین مادهٔ اصول عام حاکم بر داوری وفق این قانون را مشخص می‌کند که نشان از اهمیت آن دارد. وفق این ماده «مقررات این بخش طبق اصول زیر بوده و بنابراین باید این‌گونه تفسیر شوند: الف) هدف از داوری دستیابی به راه‌حل منصفانه اختلافات توسط یک دادگاه بی‌طرف بدون تأخیر یا هزینه غیر ضروری است. ب) طرفین باید در مورد نحوهٔ حل و فصل اختلافات خود که تنها در چهارچوب ضمانت‌های ضروری دارای منافع عمومی است، آزاد باشند. ج) در موضوعات تحت حاکمیت این بخش محاکم جز مواردی که در این بخش مقرر شده است نباید مداخله کنند».

اصل حاکمیت ارادهٔ طرفین در مادهٔ ۴، اصل استقلال توافق داوری در مادهٔ ۷ این سند، قائم به شخص بودن موافقت‌نامهٔ داوری و داور (مادهٔ ۲۶ و ۸)، صلاحیت استثنایی دادگاه از دیگر مواردی است که انعکاس آن را در مواد مختلف این قانون می‌توان مشاهده کرد. علاوه بر آن تلفیقی از اصول عام دادرسی و اصول مختص داوری را می‌توان در مواد دیگر نیز مشاهده کرد. برای مثال طبق مادهٔ ۲۲ این قانون داور مکلف است تا به‌محض پیشنهاد داوری همهٔ اموری را که

۵-۳. ضمانت اجرای اصول داوری در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس

در قسمت قبل مشخص شد که اصول دادرسی در نظام حقوقی ایران تا حدود زیادی مبهم است؛ در حالی که قانون داوری تجاری بین‌المللی تنها به دو اصل تساوی طرفین و اعطای فرصت طرح ادعاها یا دفاعیات اکتفا کرده است. قواعد عام داوری در این قسمت نیز سکوت اختیار کرده است. در مقابل قانون انگلستان رویکرد شفاف‌تری را به اصول داوری اتخاذ کرده است. گام بعدی در این تحقیق بررسی ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول است که در این قسمت بررسی می‌شود.

۵-۳-۱. ضمانت اجرای اصول دادرسی در اسلامی

در بحث منابع فقهی در خصوص ضمانت اجرا با مباحث حقوقی تفاوت فراوانی وجود دارد و از پشتوانه‌های متعددی از جمله قرآن، سنت، نظر فقها و غیره پیروی می‌کند برای مثال در مورد ضمانت اجرا در قرآن می‌توان به این آیه استناد کرد که می‌فرماید: «اگر اهل کتاب نزد تو به داوری آمدند در میان آن‌ها داوری کن یا از چشم برگیر و اگر اعراض نمودی زیانی از سوی آنان به تو نمی‌رسد و اگر قضاوت نمودی، به قسط داوری کن از هوای نفس پیروی ننما». این آیات ناظر بر مشروعیت داوری در میان غیر مسلمانان است می‌توان حکم آیه را مبنی بر قبول داوری به همه غیر مسلمانان تعمیم داد و از آیه مذکور مشروعیت داوری بین‌المللی یا منطقه‌ای یا بین دولتهای غیر اسلامی را برای قضاوت مسلمان

و محاکم کشورهای اسلامی به‌دست آورد (زنجانی، ۱۳۶۶، ۳۷۲). بنابراین در جمع‌بندی از بحث می‌توان بیان داشت که در فقه اسلامی سه نوع «ضمانت اجرایی» برای قوانین در نظر گرفته شده است: ۱. ضمانت اجرایی به‌وسیله حکومت اسلامی؛ یعنی حکومت اسلامی موظف است با هرگونه تخلف از قانون قاطعانه برخورد کند. این یعنی اینکه چنانچه داوری به‌حق داوری کند حکومت اسلامی موظف است به نتیجه داوری گردن نهد و در راستای پیاده‌سازی آن عمل کند نظیر آنچه حضرت رسول (ص) قوانین قرآن را مرزهای الهی شمرد و برای هرکس که از این مرزها بگذرد مجازاتی تعیین کرد. از یک سو، متخلفان را ظالم شمرد و فرمود: «هرکس از حدود الهی تجاوز کند، ستمکار است» (بقره، ۲۲۹). ضمانت اجرایی به‌وسیله نظارت عمومی: یعنی فرد فرد امت اسلامی را طبق برنامه امر به معروف و نهی از منکر موظف به نظارت بر اجرای قوانین الهی کرده است. در اسلام نکته بسیار مهم توجه به نقش مردم در اجرای قوانین و اصول دادرسی است، آنجا که قرآن می‌فرماید: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید، ۲۵). مفهومش این است که فرد فرد امت اسلامی را موظف به نظارت بر اجرای قوانین الهی کرده است و طبق برنامه امر به معروف و نهی از منکر همه را مکلف ساخته است تا در برابر تخلف از قوانین الهی بی‌تفاوت نمانند. در جای دیگر می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان، ولی‌وار و یاور [یکدیگرند، امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و پیامبرش را اطاعت می‌کنند» (توبه، ۷۱). در

اختصاص نیافته است. این رویکرد در ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی نیز به چشم می‌خورد.

با وجود این، به نظر می‌رسد ضمانت اجرای مندرج در بند ماده ۳۴ مبنی بر باطل و غیر قابل اجرا بودن رأی داوری به دلیل مخالفت رأی با نظم عمومی تا حدودی بتواند این خلأ را جبران کند. در یک نگاه کلی می‌توان گفت قانون مذکور هم در بیان مصادیق اصول دادرسی و هم تصریح کلی به لزوم رعایت آن و تعیین تکلیف ضمانت عدم اجرای این اصول ناقص است. درعین حال بند اول ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. نیز ممکن است بتواند تا حدودی چاره‌ساز باشد. وفق بند اخیر رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باطل است. بنابراین در صورتی که بتوان رعایت اصول دادرسی را به‌عنوان یکی از حقوق طرفین در نظر گرفت می‌تواند ذیل این بند قرار گیرد.

برخلاف ابهام در قوانین داوری، به نظر می‌رسد رویه قضایی تلاش‌هایی برای لزوم توجه به اصول دادرسی داشته است. از منظر رویه قضایی از باب نظارت حاکمیتی دادگاه، مراتب باطل بودن رأی داوری محصور به موارد مندرج در قانون نیست (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۱۰۶۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۹). در نتیجه محاکم می‌توانند برخلاف عدم تصریح لزوم رعایت اصول دادرسی، عدم رعایت این اصول را از جهات بطلان رأی داور قرار دهند. در پرونده دیگری این مسئله به‌صراحت بیان شده است: «داوری مستلزم رعایت اصول دادرسی اعم از اصل بی‌طرفی و اصل تناظر است» (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۳۱۰۰۴۰۵ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۸). درعین حال دادگاه در صورت اعتراض به رأی داوری، صلاحیت ورود در ماهیت رأی داوری قطع نظر از

نهایت نیز ضمانت درون‌ذاتی یا به تعبیر دیگر، ایمان و اعتقاد به مبانی اسلام و مسائل اخلاقی و عاطفی. از مرحله نظارت عمومی که بگذریم سخن از نظارت درونی، روحی، اعتقادی و وجدانی افراد بر حسن اجرای قوانین به میان می‌آید که از یک نظر، قدرت و قوت آن از همه بیشتر است (زمان‌زاده بهبهانی، ۱۳۹۷، ۴۳).

۵-۳-۲. ضمانت اجرای اصول دادرسی در نظام حقوقی ایران

در قسمت قبل مشخص شد که اصول دادرسی در نظام حقوقی ایران تا حدود زیادی مبهم و جز ذکر برخی از مصادیق آن در ماده ۱۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی در دیگر موارد ساکت است. هرچند قانون آئین دادرسی مدنی در مورد اصول دادرسی در محاکم نیز ساکت است، با وجود این به نظر می‌رسد قانون‌گذار رعایت این اصول را مد نظر داشته است. به همین دلیل نیز رعایت نکردن اصول دادرسی و قواعد آمره در ماده ۳۷۱ این قانون از جهات نقض حکم یا قرار در فرجام‌خواهی قرار گرفته است. حال این سؤال مطرح می‌شود که موضع قانون‌گذار در قبال عدم رعایت اصول دادرسی در داوری چگونه است.

به نظر می‌رسد این خلأ در بخش ضمانت اجرا نیز هم‌چنان برجسته است. از میان جهاتی که مواد ۳۳ و ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی به‌ترتیب برای درخواست ابطال رأی داوری و بطلان آن ارائه می‌دهند، هیچ‌یک به عدم رعایت اصول دادرسی

محکوم‌له را علی‌رغم استقلال شخصیت شرکت از جهات نقض اصل استقلال و بی‌طرفی داور می‌دارد(دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۱۴۷، مورخ ۱۳۹۴/۹/۹).

به نظر می‌رسد در مواردی که قانون ممنوعیتی ایجاد نکرده است، رویه قضایی نیز کمکی نمی‌کند. از جمله این موارد می‌توان به ذی‌نفعی داور اشاره داشت که محاکم ذی‌نفعی داور را در صورت علم بر این موضوع پذیرفته‌اند(دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۱۴۰، مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲). در جای دیگر بیان می‌دارد: «تراضی طرفین در انتخاب داور، رافع ایراد راجع به وجود رابطه سببی یا نسبی بین داوران و اصحاب دعوا است»(شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۳۹، مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۹).

به نظر می‌رسد برخلاف بی‌توجهی قانون‌گذار به ضمانت اجرا برای رعایت اصول دادرسی، در عمل محاکم با این رویکرد که رعایت آن‌ها از مسلمات هرگونه رسیدگی است و عدم تصریح قانون‌گذار به- دلیل مبرهن بودن امر است، عدم رعایت این اصول را از جهات ابطال می‌دانند. با وجود این، رویکرد نظام حقوقی ایران به رعایت همه این اصول مشخص نیست و تمرکز رویه قضایی نیز بر چند اصل اساسی همچون بی‌طرفی، استقلال و رعایت اصل تناظر بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این اصول همگی در زمره اصول عدالت‌محور هستند. یعنی اصولی که در دادرسی عادلانه مد نظر قرار می‌گیرند. دیگر اصول دادرسی شامل اصول آئینی جز در موارد تصریح قانونی مندرج در ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. در رویه قضایی به‌عنوان جهات ابطال مشاهده نشد. مورد اخیر

ظالمانه بودن یا عادلانه بودن آن ندارد(دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۳۹۷، مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۰). در نتیجه عدالت در داوری تنها محدود به جهات شکلی رسیدگی داور می‌شود.

به نظر می‌رسد این رویکرد متشتت است. در پرونده دیگری هرچند دادگاه درصدد بیان عدم لزوم تابعیت داور از مقررات قانون آئین دادرسی مدنی بوده است، با بیان اینکه: «در مانحن فیه درخواست ابطال رأی داوری با هیچ‌یک از موارد مذکور در ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی مطابقت ندارد»(دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۰۲۴۱۵۰۰۲۱۲، مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۳)، بر حصری بودن جهات مندرج در ماده مذکور اشاره دارد.

برخلاف این تشتت، در عمل توجه به رعایت اصول دادرسی در رویه محاکم دادگستری قابل مشاهده است. برای مثال به عقیده این محاکم: «صرف تشکیل جلسه توسط داور به‌منزله رعایت اصول دادرسی نیست؛ زیرا رعایت اصول دادرسی مستلزم رسیدگی منصفانه و بهره‌مندی طرفین دعوی از حق دفاع و بی‌طرفی داور است. بنابراین در فرض عدم رعایت موارد مذکور حکم به بطلان رأی داوری صادر می‌شود»(دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۳۱۰۰۸۳۸، مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۳). رأی شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی تهران مبنی بر اینکه «در صورتی که رأی داوری بدون رعایت اصل تناظر و اصل حق دفاع صادر شده و هم- چنین در فرضی که موجه و مستدل نباشد رأی داور ابطال می‌گردد» نیز در پرونده دیگری مورد تأیید دادگاه تجدیدنظر قرار گرفت»(دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۶۰۴، مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹). در پرونده دیگری داوری رئیس هیئت مدیره شرکت

«هر یک از طرفین رسیدگی داوری می‌تواند رأی داوری را بر مبنای بی‌نظمی جدی اثرگذار بر دادگاه، رسیدگی یا حکم داوری به چالش بکشند». همین‌طور که ملاحظه می‌شود این ماده تنها به بی‌نظمی‌های رأی داوری محدود نشده است و بی‌نظمی‌های جدی مؤثر بر دادگاه و فرآیند رسیدگی را نیز شامل می‌شود. بند دوم مفهوم بی‌نظمی جدی را تعریف می‌کند. وفق بند مذکور: «بی‌نظمی جدی به معنای یک یا چند نوع از مصادیق زیر می‌باشد که دادگاه آن را منجر به بی‌عدالتی اساسی نسبت به خواهان در نظر بگیرد: الف) قصور محکمه در پیروی از مادهٔ ۳۳ (وظایف عام محکمه) ... ی) هر گونه بی‌نظمی در ادارهٔ رسیدگی یا در رأی که توسط محکمه یا هر نهاد داوری ... در رابطه با رسیدگی‌ها یا حکم پذیرفته شده باشد». دیگر موارد مصرح در این ماده ابعاد مختلف تخلف از ارادهٔ طرفین را بیان می‌دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود علاوه بر بند فرعی الف که صراحتاً تخلف از اصول دادرسی را بیان می‌دارد، بند فرعی ی نیز این امکان را فراهم می‌سازد تا دیگر اصول دادرسی نیز تحت پوشش قرار گیرند (پودریت، ۲۰۰۷، ۷۸).

مسئلهٔ دیگری که در نظام حقوقی انگلستان مشاهده می‌شود تنوع ضمانت‌هایی است که عدم رعایت اصول دادرسی می‌تواند به همراه داشته باشد. برخلاف نظام حقوقی ایران که تنها سازوکار واکنشی آن ابطال و بطلان رأی داوری است. بند سوم سه‌راه ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱. ارسال حکم به محکمه برای بررسی مجدد به صورت کلی یا جزئی؛ ۲. لغو کلی یا جزئی حکم؛ ۳. اظهار اینکه حکم به‌طور کلی یا جزئی فاقد اثر است.

نیز تنها بر ابعاد مختلف اصل حاکمیت ارادهٔ طرفین مبتنی است و سایر اصول دادرسی که در مقررات داوری مورد توجه قرار نگرفته است، در رویهٔ قضایی نیز فاقد سابقه بوده است و بنابراین عدم رعایت آن‌ها با ضمانت اجرایی مواجه نیست.

۵-۳-۳. ضمانت اجرای اصول دادرسی در نظام حقوقی انگلستان

برخلاف رویکرد مبهم ایران به ضمانت اجرای عدم رعایت اصول داوری که تا حدودی نیز توسط رویهٔ قضایی تعدیل شده است، قانون داوری انگلستان نه تنها در تبیین اصول داوری دارای شفافیت و تصریح است، بلکه در ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول نیز رویکرد منسجم‌تری را اتخاذ کرده است. مادهٔ ۲۴ قانون داوری این کشور علاوه بر امکان درخواست عزل داور را بر عدم توانایی و مهارت، وجود شرایطی که تردیدی موجه به بی‌طرفی داور مطرح سازد نیز بر شمرده است. با توجه به بند سوم این ماده که بر تداوم رسیدگی داوری در حین بررسی درخواست عزل از دادگاه تصریح دارد، نشان می‌دهد ضمانت اجرای عدم رعایت اصول دادرسی تنها محدود به پایان داوری و صدور رأی نیست و برخلاف رویکرد نظام حقوقی ایران، دامنهٔ این ضمانت اجرا به فرآیند رسیدگی نیز توسعه یافته است.

برخلاف نظام حقوقی ایران، قانون داوری انگلستان مقررات مفصل‌تری را برای نظارت بر آرای داوری نیز پیش‌بینی کرده است. از جملهٔ این موارد، مادهٔ ۶۸ این قانون به امکان اعتراض به رأی داوری به دلیل بی‌نظمی‌های جدی توجه کرده است. وفق این ماده

دادرسی نیز بر داوری حاکم باشد. به همین دلیل نیز قواعد داوری چه در چارچوب قواعد تنظیم شده از سوی نهادهای بین‌المللی داوری و چه قوانین داخلی کشورها در کنار تدوین مقررات داوری، به اصول دادرسی نیز توجه داشته‌اند.

نظر به اهمیتی که این اصول در اداره جریان رسیدگی و حکم داوری دارد، لازم است تا قوانین داوری ضمن شناسایی این اصول، ضمانت‌هایی را نیز درباره عدم رعایت آن‌ها پیش‌بینی کنند. قوانین مختلف رویکردهای مختلفی را در این رابطه اتخاذ کرده‌اند. درباره اصول مرتبط با عدالت دادرسی رویکرد متداول تصریح بر مصادیق کلی شامل عدالت، بی‌طرفی و برابری در حق ارائه نظرات طرفین است. در کنار آن اصول دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است که با ماهیت داوری متناسب است. بررسی رویکرد نظام داوری در فقه اسلامی ایران و حقوق انگلستان در این خصوص نشان از تفاوت اساسی در رویکرد این دو نظام حقوقی دارد.

در فقه اسلامی، عدالت و دادرسی عادلانه یک اصل کلی است که احکام باید با آن سنجیده شوند نه برعکس. یعنی نباید عدالت را با مقیاس احکام و مقررات فرعی سنجید؛ بلکه عدالت سنجه‌ای است برای درک و فهم درست و ارزیابی صحیح احکام. متناسب با این گزاره اسلام بر اصولی از جمله بی‌طرفی، داوری عادلانه، استقلال داور و سرعت دادن به داوری در راستای احقاق حقوق طرفین تأکید دارد که بیشتر موارد فوق در اسناد بین‌المللی، قوانین ایران و انگلستان مورد توجه قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر می‌توان گفت اصول دادرسی منصفانه در فقه اسلامی ایران و حقوق انگلستان برخلاف تفاوت در

بر این اساس در قانون داوری انگلستان اولاً به نظر می‌رسد عدم رعایت همه اصول دادرسی چنانچه تحت عنوان «بی‌نظمی جدی» قرار بگیرند با ضمانت اجرا مواجه است. درباره اصول مندرج در ماده ۳۳ قصور در آن‌ها به‌طور کلی بی‌نظمی جدی محسوب می‌شود. درباره سایر اصول لازم است تا ذیل بند ۲(ی) تحقق معیار مذکور احراز شود. مسئله دیگر اینکه ضمانت اجرای اصول دادرسی در قوانین این کشور نه تنها شامل رأی داوری، بلکه شامل جریان رسیدگی و اداره محکمه و همین‌طور شخص داور نیز می‌شود. در عین حال ضمانت اجرای آن می‌تواند شامل کنار نهادن داور، ابطال یا اعلام بی‌اثری رأی داوری و در نهایت بازگرداندن حکم برای تجدید نظر توسط محکمه داوری می‌شود (هاریت، ۲۰۰۳، ۶۷).

تصریح این مسئله در قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان مبنی بر اینکه قواعد داوری باید متناسب با شرایط خاص هر قضیه اتخاذ شود، به‌طور ضمنی می‌تواند این معنا را به همراه داشته باشد که اصول داوری می‌توانند متأثر از شرایط هر قضیه نیز افزایش یابند یا به‌منظور رسیدگی به راه‌حل مناسب تعدیل و تفسیر شوند. بنابراین علاوه بر اصول مصرح در قانون داوری، آثار ناشی از بند ۱(ب) ماده ۳۳ این قانون بر اصول دادرسی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۶. نتیجه

هرچند داوری یک شیوه حل و فصل اختلاف توسط نهادهای خصوصی است، ماهیت رقابتی و تناظری آن ایجاب می‌کند تا در کنار اصل حاکمیت اراده طرفین در تعیین قواعد و تشریفات رسیدگی، اصول حاکم بر

استدلالات و متدولوژی حقوقی در زمینهٔ دادرسی منصفانه، اغلب به نتایج یکسانی دست می‌یابند.

در یک قضاوت منصفانه، باید گفت که قانون‌گذار انگلیسی در مجموع توانسته است به هدف خود نائل آید. قانون انگلستان تقریباً تمامی جنبه‌های داوری را در بر می‌گیرد. در حیطة اختیارات داوران و به‌ویژه آزادی ارادهٔ طرفین بسیار خوب عمل کرده است و اوج آزادی اراده در داوری، به‌عنوان یک روش خصوصی حل‌وفصل اختلافات را به نمایش می‌گذارد. منع تأخیرات و هزینه‌های غیر ضروری و مصونیت داوران بدین معنا است که مسئولیت بیشتری برعهدهٔ داوران گذاشته شده است. داوران باید بسیار فعال و دارای قوهٔ ابتکار باشند. دیگر کنار نشستن و منتظر ماندن برای اینکه یک طرف از آن‌ها بخواهد تا کاری کنند، برای ایشان کفایت نمی‌کند. اتخاذ آئین رسیدگی مناسب و قواعد منصفانه در هر قضیه از تکالیف آن‌ها است. در مجموع باید چنان عمل کنند که هدف داوری را که همانا رسیدن به یک راه‌حل منصفانه در حل‌وفصل اختلافات در یک داوری بی‌طرف است هرچه بهتر برآورده کنند.

قواعد داوری تجاری ایران توجه محدودی به برخی از اصول دادرسی عادلانه داشته است و سایر اصول داوری نیز یا به‌نحو شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته‌اند یا به‌کلی مورد غفلت بوده‌اند. این رویکرد در قواعد عام داوری شدیدتر است. سکوت قانون‌گذار در قبال اصول دادرسی و ابهام مادهٔ ۴۷۷ بیانگر این امر است که قانون‌گذار توجهی به اصول دادرسی در داوری نداشته است. با وجود این رویهٔ قضایی تلاش داشته است تا حدودی این نقصان را مرتفع کند.

هرچند نمی‌توان از محدودیت‌های رویهٔ قضایی که بر پایهٔ لزوم پیروی از قانون است گذشت. رویهٔ قضایی نشان می‌دهد توسعهٔ ضمانت اجرا در این حوزه اولاً تنها محدود به آرای داوری است، دوماً تنها شامل ابطال رأی داوری می‌شود و سوماً تنها اصول عام شامل بی‌طرفی و استقلال داور را در مرکز توجه داشته است. البته نمی‌توان از این حقیقت صرف نظر کرد که رویهٔ قضایی علاوه بر حصار قانون، محدود به خواستهٔ طرفین نیز است و بنابراین مجال ورود به عدم رعایت دیگر اصول دادرسی برای محاکم فراهم نبوده است. به همین دلیل نیز رعایت نکردن اصولی همچون محرمانگی، سرعت، کارآمدی و ... عملاً نزد محاکم طرح نشده است تا رویهٔ قضایی امکان توسعهٔ ضمانت‌های اجرای عدم رعایت اصول دادرسی را داشته باشد. به نظر می‌رسد جای یک ماده در قواعد داوری مبنی بر اینکه داور موظف است در جریان رسیدگی اصول دادرسی را رعایت کند در نظام حقوقی حاکم بر داوری ایران احساس می‌شود. در مقابل، انگلستان رویکرد منعطف‌تری را اتخاذ کرده است. قانون داوری این کشور درعین حال که یک ماده را به اصول داوری اختصاص داده است، در دیگر مواد نیز به اشکال مختلف به اصول دادرسی اشاره دارد. درعین حال مادهٔ ۶۸ این قانون نیز با خلق نهاد «بی‌نظمی جدی» این امکان را برای محاکم فراهم کرده است تا به عدم رعایت اصول دادرسی واکنش نشان دهند. نوع عبارت‌پردازی این ماده و همین‌طور تنوع واکنش‌های پیش‌بینی‌شده در بند سوم آن به محاکم این کشور اجازه می‌دهد تا هم به‌لحاظ گستره و هم نوع واکنش به عدم رعایت اصول دادرسی از صلاحیت گسترده‌ای برخوردار باشند. به نظر می‌رسد می‌توان گفت برخلاف نظام حقوقی ایران، اصول دادرسی در نظام

حقوقی انگلستان از ضمانت اجرای مناسبی برخوردار است.
- شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۴۳۹، مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۹.

۷. سهم نویسندگان

در این پژوهش همه نویسندگان به طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

آرا و رویه قضایی

- شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۱۰۶۳، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

- شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۳۱۰۰۴۰۵، مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۸.

- شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۳۹۷، مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۰.

- شعبه ۵۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۰۲۴۱۵۰۰۲۱۲، مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۳.

- شعبه ۶۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۳۱۰۰۸۳۸، مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۳.

- شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۶۰۴، مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹.

- شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۱۴۷، مورخ ۱۳۹۴/۹/۹.

- شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۱۴۰، مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲.



رویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

فارسی

- صادقی، محسن، اصول حقوقی و حقوق موضوعه، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

- ضرابی، میترا، بررسی وجوه اشتراک بین قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان و قانون داوری تجاری بین المللی ایران، مجلهٔ نامهٔ مفید، شمارهٔ نودویک، تابستان ۱۳۹۱.

- علیخانی، حمیدرضا؛ عباسی، سعید، «دستاوردهای جدید قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان در مقایسه با قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران»، مجلهٔ پژوهش‌های حقوقی، شمارهٔ بیست‌ویکم، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

- علی‌محمدی، زهرا، «بررسی اصول و تشریفات دادرسی در داوری»، سومین همایش بسترهای فساد مالی واداری در نظام حقوقی ایران با رویکرد اصلاح و توسعهٔ نظام حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۹۵.

- غمامی، جیر؛ محسنی، حسن، آئین دادرسی مدنی فراملی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.

- مافی، همایون؛ محمد، غمیلویی، «مفهوم و ضمانت اجرای اصول دادرسی در آئین دادرسی مدنی»، فصلنامهٔ علمی دانش‌نامه‌های حقوقی، شمارهٔ سوم، ۱۳۹۸.

- ماندگار، مصطفی؛ شعبانی، مصطفی، «قاعدهٔ موجه و مدلل بودن رأی داوری»، فصلنامهٔ مطالعات حقوق خصوصی، شمارهٔ دوم، ۱۳۹۹.

- محسنی، حسن، آئین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.

- امینی، عیسی؛ منصوری، عباس، «موجه و مدلل بودن رأی داوری داخلی با نگاهی به رویهٔ قضایی»، فصلنامهٔ پژوهش حقوق خصوصی، شمارهٔ بیست-ودوم، ۱۳۹۷.

- آرتور تی، گنیگز، «داوری تجاری و اصول حاکم بر آن در حقوق انگلیس»، ترجمهٔ حسین میرمحمد صادقی، مجلهٔ حقوقی بین‌المللی، شمارهٔ دهم، بهار و تابستان ۱۳۶۸.

- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۸.

- خدری، صالح، «اصول دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامهٔ مطالعات حقوق خصوصی، شمارهٔ چهارم، ۱۳۹۳.

- خوشبخت احمدی، نوراله، «اصول داوری مربوط به برابری طرفین و ضمانت اجرای آنان در قانون آئین دادرسی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران»، دومین همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی تهران، ۱۳۹۷.

- زمان‌زاده بهبهانی، مه‌ری، همکاران، «واکاوی جایگاه اصول دادرسی عادلانه در فقه امامیه»، نشریهٔ پژوهش‌نامهٔ حقوق اسلامی، شمارهٔ دوم، ۱۳۹۷.

- زنجانی، عمید، حقوق اقلیت‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.

Volume 4, Issue 2, December 2014,
P.130.

- Harris, Bruce; the arbitration act 1996 a commentary, Blackwell publishing, oxford,2003.

- Poudret, Jean Froncois, Comparative law of international arbitration, sweet and Maxwell,,2007.

- Reneta, Berzanskiene,Principles of the Arbitration Procedure, Sorainen Law Offices, June 2003, P.2.

- Thomas E. Carbonneau, BASIC CONCEPTS, PRINCIPLES, AND ISSUES - CHAPTER 2 - LAW AND PRACTICE OF ARBITRATION - 4TH EDITION, United States,2012.

- U.S. Supreme Court, Volt Information Sciences, Inc. v. Board of Trustees of Leland Stanford Junior University, No. 87-1318, Decided March 6, 1989, p;87.

عربی

-شلال حبیب، محمد، «ضمانات استقلال القضاء في التشريع الجزائري والمقارن»، مجلة العلوم القانونية(كلية الحقوق جامعة عنابة الجزائر)، العدد الأول، ۱۹۸۲.

- الطبری، ابن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، الجزء الأول، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۹۹۵.

- عبدالرحمن الشیخ، إبراهیم أحمد، «المساواة أمام القضاء(دراسة مقارنة)»، رسالة ماجستير جامعة الأزهر، كلية الشريعة و القانون، ۱۹۸۹.

- العطيفی، جمال، «دراسات في استقلال القضاء في الشريعتين الإسلامية والانجليزية»، مجلة المحاماة المصرية، العدد الثاني، ۱۹۷۰.

- الفضيلات، جبر محمود، القضاء في صدر الاسلام،الجزائر، شركة الشهاب، ۱۹۸۷.

- المقدسى، ابن قدامه،المغنى على مختصر الخرقى، الجزء التاسع، بيروت، دارالمكتبة العلميه، ۱۹۹۴.

- النباهى، أبو الحسن عبدالله بن الحسن، تاريخ قضاء الأندلس، القاهرة، دار الكاتب المصرى، ۲۰۱۷.

- يعمرى، ابراهيم بن على، تبصرة الحكام في أصول الأفضية ومناهج الأحكام، الجزء الأول، القاهرة، الناشر مكتبة الكليات الأزهرية، ۱۹۸۶.

لاتين

- Diana Loredana HOGAŞ, Principles of law applicable to the arbitration proceedings, Juridical Tribune,